

کیفیت تحریم خمر و نقش آن در تصحیح سبب نزول آیه ۴۳ سوره نساء

عبدالکریم بهجت پور*

چکیده

به نظر پیروان مکتب اهل بیت علیهم السلام شرب خمر از ابتدا حرام بود و شارع مقدس این حرمت را به تدریج علنی فرمود، ولی در نگاه دیگر فرق اسلامی، شرب خمر به تدریج حرام شد و شارع مقدس با آماده ساختن مردم، حرمت آن را در سوره مائده اعلام کرد. نکته مهم در آیه های ۲۱۹ سوره بقره و ۴۳ سوره نساء، سبب نزول آیه است. بر پایه دیدگاه شیعیان، شخصیتی چون امام علی بن ابی طالب علیه السلام که پرورده و تربیت شده خاص پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله می باشد، از همان ابتدا بر ترک شرب خمر اقدام کرده است، ولی بر پایه نقلی که در منابع تفسیری اهل سنت در سبب نزول آیه نساء که مؤمنان را از نزدیک شدن به نماز در حال مستی منع می کند، وارد شده، مولای متقیان علی علیه السلام مرتکب عمل شرب خمر شده است. مورد اخیر به شدت مورد انکار و انتقاد حضرت استاد علامه معرفت قرار گرفته است. وی با بررسی خبر و سند آن، بررسی روایات متعارض و نیز برخی شواهد متقن قرآنی و روایی مورد توافق همه فرق اسلامی یا قابل قبول پیروان مکتب اهل بیت علیهم السلام این ادعا را ابطال می کند. در مقاله حاضر، دیدگاه علامه، تأیید و شواهد گفته شده تقویت می شود.

واژگان کلیدی: قرآن، خمر، علی بن ابی طالب علیه السلام، نزول، نزول تدریجی، تحریم خمر، سبب نزول.

مقدمه

از جمله ویژگی های حضرت علامه معرفت، تبحر و علاقه وافر ایشان به مباحث فقهی است. هر چند نامبرده در سپهر دانش اسلامی به عنوان دانشمند علوم قرآن و تفسیر شناخته شده است، ولی در واقع فقهی بود که به دلیل ضرورت و ازباب تأمین نیاز علمی جهان و ارائه دیدگاه های پیروان مکتب اهل بیت علیهم السلام، به پژوهش و نگارش در دو ساحت علوم قرآن و تفسیر پرداخت. آثار ایشان در ابواب و قواعد فقهی گویای این مطلب است (ر.ک: بهجت پور، ۱۳۸۳، ص ۱۰). این تخصص و اشتیاق سبب شد ایشان در مباحث تفسیری و آثار گوناگون علوم قرآن و روش ها و گرایش های تفسیری، به تناسب مباحث فقهی باب گسترده ای باز کند و تحقیقات استدلالی عمیقی در ذیل مسائل فقهی به قلم درآورد (معرفت، ۱۳۸۳، ج ۲، صص ۶۰۱، ۸۰۷، ۸۱۹، ۸۲۷-۸۲۸ و ۸۳۱-۸۳۲/ همو، ۱۳۸۱، صص ۱۴۰-۲۰۲ و ۴۴۰/ همو، ۱۳۸۳، ج ۳، صص ۱۲۷، ۲۱۵، ۴۶۶، ۵۵۹-۵۵۱ و ج ۴، صص ۶۴-۵۲ و ۳۹۱-۴۰۰ و ج ۵، صص ۱۴۶-۱۵۵، ۳۲۰-۳۷۰، ۴۱۳، ۴۷۰-۴۷۴ و ج ۶، صص ۲۹-۲۴، ۶۹-۵۶، ۱۲۴-۱۴۹، ۱۹۶، ۴۸۴-۴۸۹، ۵۰۲ و ۵۵۶).

استاد معرفت در مسیر اقدامات پژوهشی، دفاع از اهل بیت علیهم السلام و مکتب آن بزرگواران را مورد توجه جدی قرار داد و در فرصت های مناسب تلاش کرد برخی صفات زیبا و کمالات آن خاندان را ابراز و برخی شبهات و اتهامات نادرست به ایشان را با دفاع عالمانه از کرامت آن ذوات معصوم و عالم پاسخ گوید. وی کوشید در اقدامی دوران‌دیشانه، تراث اسلامی در باب تفسیر آیات را به داوری مجتهدانه بسپرد و با بررسی تطبیقی و نقادانه و با روشی علمی و محترمانه، سهم و نقش تراث تفسیری اهل بیت علیهم السلام را در تفسیر قرآن نشان دهد و نقش مرجعیت مکتب اهل بیت علیهم السلام را در بازخوانی و پالایش تراث روایی و نقلی نمایان سازد.

به نظر می‌رسد آیات فقهی قرآن در تفسیر گرانسنگ استاد معرفت: «تفسیر اثری جامع»، واجد هر سه کمال باشد؛ نمونه آن در آیه ۲۱۹ سوره بقره دیده می‌شود. خداوند متعال در این آیه، درباره فلسفه احکامی همچون مسکرات، قماربازی و جنس و سالیلی که انفاق می‌شوند، مطالبی بیان می‌کند که استاد معرفت در مجال بررسی تفسیری آنها با

استفاده از تراث اسلامی، به اظهار نظر پرداخته است.

خدای حکیم در آیات مکی با استفاده از عناوین عامی همچون «الفحشاء» (ر.ک: اعراف: ۲۸)، «ظاهر و باطن فواحش» (ر.ک: اعراف: ۳۳)، «عدم حضور در مجالس زور» (ر.ک: فرقان: ۷۲) که در روایات بر مجالس اهل فسق و خطا تطبیق شده است (ر.ک: مشهدی قمی، ۱۳۶۸، ج ۹، ص ۴۴۳) و «منکر» (ر.ک: نحل: ۹۰)، مسلمانان را از ارتکاب اعمالی که ناپسندی و زشتی آنها شناخته شده بود، بازداشت، ولی تصریح به نام خمر تا سوره نحل به تأخیر افتاد (ر.ک: نحل: ۶۷). در این آیه از تهیه مشروبات مست‌کننده توسط مردم از برخی ثمرات خرما و انگور سخن گفته است. این مطلب در فضای نزول مکه، آغازی بر بیان حکمت تحریم خمر قلمداد می‌شود. پس از آن در سوره‌های مدنی، سه آیه: در بیان بدی‌ها و ناپسندی شرب خمر (ر.ک: بقره: ۲۱۹)، ممنوعیت نزدیکی به نماز در حالت مستی (ر.ک: نساء: ۴۳) و حرمت قطعی شرب خمر و فلسفه آن (ر.ک: مائده: ۹۰-۹۱) ابلاغ شد. تمرکز عمده مفسران بر تبیین حرمت شرب خمر، در مدینه و بر سه آیه اخیر است. در آیه نخست و دوم، افزون بر حکم حرمت، مطالبی در سبب نزول آیه وارد شده است که استاد معرفت را به واکنش وامی‌دارد؛ خدای متعال در این آیه می‌فرماید:

يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ قُلْ فِيهِمَا إِثْمٌ كَبِيرٌ وَمَنَافِعُ لِلنَّاسِ وَإِثْمُهُمَا أَكْبَرُ مِنْ نَفْعِهِمَا وَ
يَسْأَلُونَكَ مَاذَا يُنْفِقُونَ قُلِ الْعَفْوَ كَذَلِكَ بَيَّنَّ اللَّهُ لَكُمْ الْآيَاتِ لَعَلَّكُمْ تَتَفَكَّرُونَ: از تو درباره
شراب و قمار می‌پرسند، بگو در این دو، گناهی بزرگ و سودهایی برای مردم (نهفته)
است. اما گناه آنها از سود آنها بزرگ‌تر است و از تو می‌پرسند چه چیزی را ببخشند؟
بگو افزون بر نیاز (سالانه) را؛ این‌گونه خداوند برای شما آیات (خود) را روشن
می‌گوید باشد که شما بیندیشید ... (بقره: ۲۱۹).

سوره بقره نخستین سوره نازل شده در مدینه و هشتاد و هفتمین سوره نازل شده بر پیامبر اکرم ﷺ می‌باشد. آیه مذکور در پاسخ به پرسشی درباره شرب خمر، بازی قمار و نوع اموالی که باید انفاق کرد، نازل شده است.

۱. کیفیت و ابعاد موضوع خمر در تفاسیر روایی ذیل آیه ۲۱۹ سوره بقره

بررسی‌ها نشان می‌دهد استاد معرفت در ذیل این آیه، اقدامات بسیاری در تبیین آیه و تحریم شرب خمر بیان داشته است که در هیچ‌یک از کتب تفسیر روایی مانند آن نیست. اکنون نخست در منابع تفسیری شیعی و سپس در منابع تفسیری اهل سنت به بیان گزارش بسامد روایات مرتبط با حرمت شرب خمر در این تفاسیر خواهیم پرداخت.

۱-۱. تفسیر قمی

این تفسیر هیچ روایتی درباره خمر بیان نکرده است (ر.ک: قمی، ۱۳۶۷، ج ۱، ص ۷۲).

۱-۲. تفسیر عیاشی

در این تفسیر دو روایت درباره خمر در ذیل آیه آمده است: روایت نخست، به نقل از امام سجاد^ع درباره انواع مشروبات است و بالغ بر شش مورد می‌شود؛ روایت دوم، درباره مکاتبه امام جواد^ع می‌باشد که هر مسکری را حرام می‌شمرد (عیاشی، تفسیر القرآن، ج ۱، ص ۱۰۵-۱۰۶).

۱-۳. تفسیر البرهان

در این تفسیر، چهار روایت ذیل آیه درباره خمر (روایات ۱، ۲، ۵، ۷) قرار گرفته است. مفاد روایات مربوط به خمر از این قرار است:
روایت نخست، پاسخ به این پرسش که آیا در قرآن کریم، نهی از شرب خمر است یا حرام بودن شرب آن؟
روایت دوم، مرسله‌ای درباره سیر نزول تحریم خمر در آیات قرآن.
روایت پنجم، بیان حرام بودن هر مست‌کننده‌ای.

روایت هفتم، ذکر نام انواع مشروبات شش‌گانه (بحرانی، ۱۴۱۶، ج ۱، ص ۴۵۴-۴۵۶).

۴-۱. تفسیر نورالتقلین

در این تفسیر، چهار روایت مربوط به مشروبات حرام (روایات ۷۸۸-۷۹۱) ذیل آیه گزارش شده است. روایات این تفسیر، بخشی از روایت مرسله البرهان به نقل از الکافی می‌باشد که در آن ماجرای درک تحریم اجمالی با نزول آیه سوره بقره مطرح شد، ولی حرام قطعی را با آیات دیگر فهمیدند.

روایت دوم، همان روایت پنجم البرهان و روایت سوم، روایت هفتم همان تفسیر است. در روایت چهارم، نقلی از طبرسی صاحب تفسیر مجمع‌البیان آورده است که در آن بیان می‌دارد کم یا زیاد مشروبات مست‌کننده، حرام است و فقط اظهار می‌دارد این مطلب از روایات اصحاب شیعه ظاهر می‌شود (عروسی حویزی، ۱۴۱۵، ج ۱، ص ۲۰۹-۲۱۰).

۵-۱. تفسیر صافی

در تفسیر صافی، نخست به نقل از کتاب روایی الکافی، تعدادی از روایات را بدون آدرس و تفکیک از امام باقر و امام صادق علیهما السلام نقل می‌کند. مفاد این روایات به پلیدی خمر مربوط می‌شود و اینکه شرب خمر، ریشه شرور و گناهان زیاد دیگری است و بر تمامی انبیا هنگام کمال دین‌شان، حرمت مشروبات مست‌کننده نازل شده است و علت تأخیر، مصلحت تحمل احکام از سوی مردم و رفق با آنها بوده است.

سپس دو روایت گفته‌شده در منابع پیشین - نخست، روایت مرسله مراحل تشریح تحریم خمر و دوم، ماجرای گفت‌وگوی مهدی عباسی با امام جواد علیهما السلام - را درباره دلیل حرمت خمر در قرآن نقل کرده است (فیض کاشانی، ۱۴۱۵، ج ۱، ص ۲۴۸-۲۴۹).

۶-۱. تفسیر کنزالدقائق

مرحوم مشهدی قمی شاگرد فیض کاشانی در تفسیر کنزالدقائق، چهار روایت نقل

کرده است: روایت مکاتبه امام جواد^{علیه السلام} درباره حرمت هر مسکر، روایت امام سجاده^{علیه السلام} درباره انواع شش گانه موادی که خمر از آنها گرفته می شود، روایت مرسله الکافی درباره مراتب تحریم خمر و روایت امام رضا^{علیه السلام} که همه پیامبران تحریم خمر را در شریعت شان اعلام کرده اند. همچنین به نقل از بیضاوی، سبب نزول تحریم خمر و مستی در حال نماز را گزارش کرده است (قمی مشهدی، ۱۳۶۸، ج ۲، ص ۳۲۱).

در تفاسیر روایی اهل سنت نیز به این موضوع پرداخته شده است که درذیل، گزارش تعداد و محتوای روایات تحریم خمر در مهم ترین تفاسیر اهل سنت ارائه می شود.

۷-۱. تفسیر جامع البیان

طبری در جامع البیان به تفسیر فقرات آیه می پردازد و درباره عباراتی چون «فیهما اِثم کبیر»، سه قول از سدی، مجاهد و ابن عباس نقل می کند. وی به استناد آنها توضیح می دهد که نخستین بار که قرآن کریم عیب خمر را گفته، همین آیه است و مقصود از «اِثم»، نقص در دین به هنگام شرب خمر می باشد. وی درذیل فقره «و منافع للناس» به نقل از مجاهد و سدی، مقصود از منافع را سود و درآمد فروش خمر و به نقل از ابن عباس، لذت و شادی آن بیان می کند و به نقل از مجاهد، منافع مذکور را به منافع پیش از تحریم خمر مربوط دانسته است. سپس درذیل عبارت «و اِثمها اکبر من نفعهما» به نقل از ابن عباس، ربیع و ضحاک، منافع پیش از تحریم و مقصود از اِثم را پس از تحریم خمر شمرده است. وی از ابن عباس، بزرگ تر بودن گناه خمر بر منافعش را از میان بردن دین در برابر لذت شرب خمر تفسیر می کند.

وی سپس به بررسی این مطلب می پردازد که مقصود از «اِثم» خمر، تبعات حاصل از شرب خمر و پیامدهای آن می باشد، نه حرمت شرعی و براین ادعا از سعید بن جبیر، سبب نزولی نقل می کند که برخی با نزول آیه و لفظ «و منافع للناس» در آیه، به شرب خمر ادامه دادند و فهمیدند حرمت همه جانبه در آیه مطرح نبوده است؛ تا زمانی که آیات سوره نساء و سپس سوره مائده در باب تحریم نازل شد. همچنین به نقل از عکرمه، به نسخ شدن آیه سوره بقره و سوره نساء به وسیله آیه سوره مائده تصریح

می‌کند. از *ابی‌القموص*، شعبی و سدی نیز روایاتی درباره سبب نزول آیه نقل می‌کند و به مناسبت آیه مربوط به سوره نساء بیان می‌دارد که *عبدالرحمن بن عوف* گروهی را که حضرت *علی* در میان آنان بود، به خانه دعوت کرد و با حالت مستی در نماز، آیه «لا أعبد ما تعبدون» را به حذف «لا» از آیه خواند. از *مجاهد*، *قتاده* و ربیع نیز روایات دیگری درباره مراحل تحریم خمر بیان داشت. سپس از *ابن‌زید* روایات مراحل تحریم خمر را بیان می‌کند و اعلام می‌دارد که پیامبر پس از نزول سوره مائده، به خوردندگان مشروب تازیانه می‌زد.

به‌طور کلی *ابن‌جریر طبری* در این باره ۲۱ نقل گزارش کرده است که به‌نظر می‌رسد تکثیر روایات بر اثر تقطیع بیشتر آنها و قراردادنشان ذیل فقرات آیه بوده است (ر.ک: طبری، ۱۴۱۵، ج ۲، ص ۲۰۸-۲۱۲).

۸-۱. تفسیر القرآن العظیم

ابن‌کثیر در این باره فقط به نقل روایت سبب نزول اکتفا کرده است. این روایت به‌دلیل اینکه ظهور در استمرار عمر بر شرب خمر دارد، محل تردید و بررسی رجالی وی قرار می‌گیرد، ولی در نهایت به‌نقل از *ابن‌مدینی* و *ترمذی* حدیث را صحیح می‌شمرد (*ابن‌کثیر*، ۱۴۱۹، ج ۱، ص ۴۳۳).

۹-۱. تفسیر الدرّ المنثور

در این تفسیر، هفت روایت تفسیری بیان می‌شود. نخست روایت گفته‌شده در تفسیر *ابن‌کثیر* را به‌نقل از دوازده منبع که برخی به صحیح بودنش تصریح کرده‌اند، نقل می‌کند. سپس همین روایت را به‌نقل از *انس*، بدون ذکر نام عمر می‌آورد. از عایشه نیز نقل می‌کند که آیه سوره بقره برای تحریم خمر بوده است. در ادامه به‌نقل از *سعید بن مسیب* حکمت نام‌گذاری خمر را تشریح می‌کند. در روایت پنجم از *ابن‌عباس* نقل می‌کند که آیه سوره بقره با نزول سوره مائده نسخ شد. روایت ششم به مراحل تحریم خمر از سوره بقره تا سوره نساء و در نهایت سوره مائده اشاره می‌کند. در

روایت هفتم، توضیحی از ابن عباس می‌آورد که مقصود از اِثمِ خمر، گناه پس از تحریم بوده است؛ چنان‌که مقصود از منافع، منافع پیش از تحریم می‌باشد (سیوطی، ۱۴۰۴، ج ۱، ص ۲۵۳).

۲. کیفیت و ابعاد موضوع خمر در تفاسیر روایی ذیل آیه ۴۳ سوره نساء

آیه دیگری که مسئله تحریم خمر در آن مطرح شده است، آیه ۴۳ سوره نساء می‌باشد. سوره بقره پیش از سوره نساء در مدینه نازل شد. خدای متعال در این آیه مؤمنان را از اقامه نماز به‌هنگام مستی برحذر داشته است: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَقْرَبُوا الصَّلَاةَ وَأَنتُمْ سُكَارَى حَتَّى تَعْلَمُوا مَا تَقُولُونَ...».

گفتنی است کتاب التفسیر الأثری الجامع به قلم استاد معرفت، تا انتهای سوره بقره نگارش یافته است؛ از این رو آیه مذکور در این تفسیر به‌طور مستقل بررسی نشده است. عمده منابع اهل سنت در ذیل این آیه، به سبب نزول و تعیین مصداق‌های سکرآور - از جمله خواب - پرداخته‌اند. در این روایات بنا بر نقل غالب تفاسیر اهل سنت، کسی که مرتکب شرب خمر و خواندن اشتباه آیه «لا أعبد ما تعبدون» شد، علی علیه السلام بود. البته برخی منابع، ادب به خرج داده‌اند و بدون ذکر نام آن حضرت، واقعه شرب خمر از سوی گروهی از صحابه بزرگ پیامبر صلی الله علیه و آله را در مجلس عبدالرحمن بن عوف گزارش داده‌اند.

۲-۱. سبب نزول آیه ۴۳ سوره نساء در منابع اهل سنت

در این باره چهار گزارش آمده است: عدم صراحت به نام علی علیه السلام، صراحت به نام آن حضرت و اینکه فرد مست و امام جماعت، غیر علی علیه السلام بوده است، صراحت به اینکه آن فرد مست و امام جماعت، علی علیه السلام بوده است و در نهایت آنکه علی علیه السلام شراب خورد، ولی امام جماعت شخص دیگری بود. در ذیل به تشریح چهار گزارش می‌پردازیم:

- عدم صراحت به نام علی علیه السلام؛ ابن جریر طبری که در میان اهل سنت نخستین تفسیر را

تدوین کرد، در تفسیر جامع البیان این گونه می آورد:

روی آن عبدالرحمن بن عوف صنع طعاماً و شراباً فدعا نفرا من أصحاب رسول الله ﷺ حين كانت الخمر مباحة، فأكلوا و شربوا، فلما ثملوا و جاء وقت صلاة المغرب قدموا أحدهم ليصلي بهم، فقراً: أعبد ما تعبدون، و أنتم عابدون ما أعبد، فنزلت. فكانوا لا يشربون في أوقات الصلوات، فإذا صلوا العشاء شربوها فلا يصبحون إلا و قد ذهب عنهم السكر و علموا ما يقولون. ثم نزل تحريمها (طبری، ۱۴۱۵، ج ۵، ص ۶۱۹).

بر اساس روایت، عبدالرحمن بن عوف از اصحاب پیامبر ﷺ، غذا و شراب مسکری آماده کرد. گروهی از اصحاب پیامبر ﷺ از آن خوردند. این اتفاق زمانی بود که هنوز خوردن مشروب مباح بود. پس از مستی، هنگام نماز مغرب داخل شد. یکی از خویش را امام جماعت گماردند. وی در قرائت نماز این گونه خواند: «أعبد ما تعبدون و أنتم عابدون ما أعبد» که آیه سوره نساء به همین مناسبت نازل شد و آنها را از نماز خواندن هنگام مستی منع کرد (زمخشری، ۱۴۱۴، ج ۱، ص ۵۱۳/الوسی، ۱۴۱۵، ج ۲، ص ۲۱۳).
گفتنی است ابن جریر طبری در ضمن روایات مربوط به این دسته از اسباب نزول، روایتی نقل می کند که در زمره دعوت شده ها نام علی ﷺ آمده است که در ادامه مباحث بدان خواهیم پرداخت.

- تصریح به نام حضرت علی ﷺ و امامت وی بر جماعت مجلس شراب: در کلمات

مقاتل بن سلیمان آمده است:

أن عبدالرحمن بن عوف الزهري صنع طعاماً، فدعا أبابكر و عمر و عثمان و علي و سعد بن أبي وقاص - رحمهم الله جميعاً - فأكلوا و سقاهم خمراً فحضرت صلاة المغرب فأهمهم علي بن أبي طالب - رضي الله عنه - فقراً: «قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ...». فقال في قرائته نحن عابدون ما عبدتم فأنزل الله - عزّ و جلّ - في علي بن أبي طالب ﷺ و أصحابه يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَقْرَبُوا الصَّلَاةَ وَأَنْتُمْ سُكَارَى (تفسير مقاتل بن سليمان، ۱۴۲۴، ج ۱، ص ۳۷۴).

طبق این روایت، حضرت علی ﷺ یکی از صحابی مست و امام جماعتی بود که در نماز به اشتباه از هماهنگی با مشرکان در بندگی بت ها خواند. گذشت که ابن جریر در ذیل آیه ۲۱۹ سوره بقره، با تصریح به نام امیر مؤمنان علی ﷺ، سبب مذکور را نقل کرده است. همانند این روایت سیوطی در نقل برخی دیگر از مفسران آمده است (سیوطی، ۱۴۰۴،

ج ۲، ص ۱۶۵ / همو، لُبَاب النقول فی اسباب النزول، ج ۱، ص ۳۷۸ / ابن عاشور، ۱۴۲۰، ج ۴، ص ۱۳۳ / مراغی، ۱۴۲۱، ج ۵، ص ۴۷ / سید قطب، ۱۴۰۸، ج ۲، ص ۶۶۵.

- خورنده شراب و امام جماعت آن مجلس، فرد دیگری غیر علی علیه السلام بود: ابن ابی حاتم در تفسیر القرآن العظیم به نقل از ابو عبدالرحمن سلمی به نقل از علی علیه السلام چنین سببی مطرح کرده است، ولی مردی را که مست شد و امام جماعت بود، فردی غیر از علی علیه السلام شمرده است (ابن ابی حاتم، ۱۴۱۹، ج ۳، ص ۹۵۸).

- حضرت علی علیه السلام مشروب مصرف کرد، ولی امام جماعت و گوینده سخنان نادرست، شخص دیگری بود:

عن أبي عبدالرحمن السلمی، عن علی بن أبي طالب، قال: صنع لنا عبدالرحمن بن عوف طعاماً فدعانا و سقانا من الخمر، فأخذت الخمر منا، و حضرت الصلاة فقدموا فلانا، قال فقراً: قل يا أيها الكافرون ما أعبد ما تعبدون و نحن نعبد ما تعبدون، فأنزل الله يا أيها الذين آمنوا لا تقرُّبوا الصلاة و أنتم سُكَّارٌ حَتَّى تَعْلَمُوا مَا تَقُولُونَ هكذا رواه ابن أبي حاتم، و كذا رواه الترمذی عن عبد بن حميد، عن عبدالرحمن الدشتكي به، و قال: حسن صحيح (ابن كثير، ۱۴۱۹، ج ۲، ص ۲۷۳).

وی در نقل دیگری تصریح می کند که امام جماعت عبدالرحمن بن عوف بوده است.

۲-۲. منابع تفسیر روایی شیعه

مفسران شیعه در ذیل آیه سوره نساء به طور عمده به انواع مسکراهایی که با وجود آنها باید از اقامه نماز تا هنگام رفع آنها صرف نظر کرد، توجه کرده اند، ولی به سبب نزول آیه و رد نسبت داده شده به امیر مؤمنان علیه السلام پاسخی نداده اند (ر.ک: طوسی، [بی تا]، ج ۳، ص ۲۰۵ / طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۳، ص ۸۱-۸۰ / مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۳، ص ۳۹۵ / مدرسی، ۱۳۷۷، ج ۲، ص ۸۳ / طیب، ۱۳۷۸، ج ۴، ص ۳۶۱ / طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۴، ص ۳۶۱). شاید این سکوت به دلیل آشکار بودن بطلان ادعا بوده است.

برخی منابع تفسیری شیعی نیز با حذف نام علی علیه السلام، روایات اسباب نزول در منابع اهل سنت را تکرار کرده اند (ر.ک: فیض کاشانی، ۱۴۱۵، ج ۱، ص ۴۵۳ / مشهدی قمی، ۱۳۶۸، ج ۳، ص ۴۱۱).

از بررسی دو آیه مرتبط با تحریم خمر در سوره مائده که یکصد و سیزدهمین سوره نازل شده بر پیامبر ﷺ یا آخرین آنهاست، به دلیل اشتراک همه فرق اسلامی در صراحت نسبت به تحریم خمر، صرف نظر و به نص آیات اکتفا می‌کنیم:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّمَا الْخَمْرُ وَالْمَيْسِرُ وَالْأَنْصَابُ وَالْأَزْلَامُ رِجْسٌ مِّنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ فَاجْتَنِبُوهُ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ إِنَّمَا يُرِيدُ الشَّيْطَانُ أَنْ يُوقِعَ بَيْنَكُمُ الْعَدَاوَةَ وَالْبَغْضَاءَ فِي الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ وَيُصَدِّكُمْ عَنِ ذِكْرِ اللَّهِ وَعَنِ الصَّلَاةِ فَهَلْ أَنتُمْ مُنْتَهُونَ: ای کسانی که ایمان آورده‌اید! شراب و قمار و بت‌ها و چوب‌های شرط‌بندی فقط پلیدند [و] از کار شیطان‌اند؛ پس، از آن‌ها [ها] دوری کنید، باشد که شما رستگار شوید. شیطان می‌خواهد به سبب شراب و قمار، در میان شما فقط دشمنی و کینه ایجاد کند و شما را از یاد خدا و از نماز بازدارد؛ پس آیا شما [به شراب‌خواری و قماربازی] پایان می‌دهید؟! (مائده: ۹۰-۹۱).

۳. تدریجی بودن تحریم خمر یا تدریجی بودن ابلاغ تحریم خمر

حرمت شرب خمر در میان فرق اسلامی مورد اتفاق است. در منابع اهل سنت گفته شده است حرمت خمر به تدریج صورت گرفته، براین اساس تا آیه سوره مائده که به آخرین ایام نزول قرآن مربوط است، مردم در شرب خمر مجاز بودند و فقط هنگامی که آیات سوره مائده نازل شد، نهی قطعی از شرب خمر برداشت شد. در این باره سبب نزول‌هایی در غالب منابع تفسیری اهل سنت نسبت به قطعی شدن نهی‌پذیری عمر به دنبال نزول آیه و ماجرای مستی برخی یاران پیامبر ﷺ همچون سعد بن ابی وقاص و درگیری و تکرار تعصبات جاهلی و خواندن اشعار جاهلی به نفع هلاک شدن مشرکان در جنگ بدر روایت شده است (ر.ک: مقاتل بن سلیمان، ۱۴۲۴، ج ۱، ص ۵۰۱ / طبری، ۱۴۱۵، ج ۷، ص ۲۴ / ابن ابی حاتم، ۱۴۱۹، ج ۴، ص ۱۲۰۰ / بغوی، ۱۴۱۷، ج ۲، ص ۸۱ / ثعلبی نیشابوری، ۱۴۲۲، ج ۴، ص ۱۰۸ / قرطبی، ۱۳۶۴، ج ۶، ص ۲۹۲ / بغدادی، ۱۴۱۵، ج ۲، ص ۷۵ / ابن کثیر، ۱۴۱۹، ج ۳، ص ۱۶۱-۱۶۳ / سیوطی، ۱۴۰۴، ج ۲، ص ۳۱۲-۳۱۴) ذیل آیات ۹۰-۹۱ سوره مائده).

از ظاهر منابع شیعی استفاده می‌شود که خمر در اسلام از همان ابتدا حرام بوده است و شارع مقدس اراده کرده بود که مردم از شرب خمر اجتناب کنند، ولی ابلاغ این حکم

مسیر تدریجی را پیمود. افزون‌براین بر اساس منابع روایی که مستند این تفاسیر است، خمر درمیان تمامی انبیا و شرایع حرام شده بود و حرمت آن مخصوص اسلام نبود (ر.ک: طوسی، [بی‌تا]، ج ۳، ص ۲۰۵ / طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۳، ص ۸۰-۸۱ / مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۳، ص ۳۹۵ / مدرسی، ۱۳۷۷، ج ۲، ص ۸۳ / طیب، ۱۳۷۸، ج ۴، ص ۳۶۱ / طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۴، ص ۳۶۱)

۱-۳. ثمره اختلاف در زمان تحریم

بر اساس دیدگاه نخست، نوشیدن خمر بر پیامبر ﷺ، صحابه بزرگ و شناخته‌شده ایشان و همه مردم تا زمانی که آخرین سوره یعنی مائده نازل شده باشد، مجاز بوده است؛ زیرا مفاد آیه ۲۱۹ سوره بقره، کراهت - نه تحریم قطعی و ممنوعیت شرعی - و مفاد آیه ۴۳ سوره نساء، ممنوعیت جمع میان نماز و مستی است؛ چنان‌که نمازگزاران از جنابت هنگام نماز منع می‌شوند، ولی بنا بر دیدگاه دوم، پیامبر ﷺ، اوصیا و افرادی که در زمره صحابه و شاگردان علمی و معنوی مخصوص پیامبر ﷺ شمرده می‌شدند، حتی از مکه لب به مشروب نزده‌اند؛ از این رو روایات مربوط به سبب نزول درباره شرب خمر از سوی امیر مؤمنان علیؑ ناروا و نادرست است.

۲-۳. شواهد دیدگاه دوم

روشن شد که دیدگاه نخست به روایات اسباب نزول و قراین داخلی آیات توجه کرده است. دیدگاه دوم قراین داخلی و اسباب نزول را کاشف از تدریجی بودن اعلام تحریم شرب خمر شمرده است، ولی حرمت شرب خمر را بر اساس شواهدی از ابتدای نزول قرآن می‌داند؛ حرمتی که سبب می‌شد افراد برگزیده از شرب آن در زمان عدم ابلاغ صریح حرمت اجتناب کنند. تشریح دیدگاه شیعیان و مردود شمردن سبب‌های نزول ادعایی در ضمن چند بند بیان می‌شود.

۱-۲-۳. ترتیب نزول تشریح احکام امری اجتماعی و نه فردی

قرآن کریم در طول ۲۰ یا ۲۳ سال نازل شد و احکامی از آن به تدریج ابلاغ شده است؛ مثلاً دستور وجوبی نماز در اواخر حضور پیامبر ﷺ در مکه (ر.ک: روم: ۳۱) یا وجوب زکات در اوایل حضور پیامبر ﷺ در مدینه (ر.ک: بقره: ۴۳) یا دستور به پاکدامنی چند سال پس از نزول قرآن کریم (ر.ک: اسراء: ۳۲) صادر شده است؛ چنان که آیات تحریم شرب خمر ابتدا به شکل ترجیح جانب حرمت در سوره بقره، سپس به عنوان نامطلوب بودن جمع میان مستی و نماز در سوره نساء و در نهایت صراحت در اعلام حرمت در سوره مائده صورت گرفته است، ولی این تدریج در اعلان به معنای ارتکاب شرب خمر از سوی تمامی مسلمانان و به خصوص صحابه بزرگوار پیامبر ﷺ تا رسیدن نهی صریح نبوده است. نزول تدریجی احکام در مقام جامعه سازی با اجتناب از امور ناپسند یا انجام طاعات از سوی افرادی از مؤمنان برگزیده از برخی معاصی حتی پیش از تحریم رسمی و صریح آنها منافاتی ندارد.

هیچ مسلمانی اقامه نماز یا پاکدامنی پیامبر ﷺ را به زمانی پس از نزول آیات وجوب نماز یا حرمت پاکدامنی مربوط نکرده است. هیچ مسلمانی دست کم در عصمت پیامبر ﷺ از آغاز رسالتش تشکیک نکرده است. همه مسلمانان اتفاق دارند که معاصی شناخته شده در قرآن کریم یا غیر قرآن کریم به وسیله آن حضرت انجام نشده است؛ هر چند حرمت این معاصی سال ها پس از نزول قرآن وارد شده باشد. هیچ یک از علمای اسلام و مفسران نیز ارتکاب شرب خمر را به پیامبر عزیز اسلام ﷺ نسبت نداده است. طبق قاعده باید پذیرفت پیامبر گرامی اسلام ﷺ از حرمت این گونه امور آگاه بوده، از این رو خود از ارتکاب آنها اجتناب می کرده است.

استاد معرفت به مناسبت تکذیب خبرهای سبب نزول درباره شرب خمر علی ﷺ، روایتی به نقل از پیامبر اکرم ﷺ آورده است: «إنَّ أول ما نهاني عنه ربي: عبادة الأصنام و شرب الخمر» (معرفت، ۱۳۸۳، ج ۵، ص ۴۵۴).

طبق این روایت، پیامبر اکرم ﷺ جزء نخستین دستورات خصوصی که پس از منع پرستش بت ها دریافت کرده، ممنوعیت شرب خمر بوده است. روشن است این ماجرا

به سال‌ها پیش از رسالت ایشان باز می‌گردد؛ زیرا پیامبر ﷺ هیچ‌گاه بت و مجسمه‌ای را عبادت نکرده بود.

همین نسبت درباره برخی تازه‌مسلمانان جریان دارد. فرض کنید امروز کشور یا منطقه‌ای به شرف اسلام وارد شوند. از نگاه تربیتی، گسترش و تعمیق معارف و تزئین مردم به اخلاق و رفتار اسلامی زمان نیاز دارد و عموم مردم را باید در چارچوبی حکیمانه و با متانت و مدارا بر اساس سبک زندگی قرآنی و اسلامی رشد داد، ولی این مطلب امکان رشد سریع‌تر برخی افراد در پذیرش و همراهی با دعوت دینی را نفی نمی‌کند؛ مثلاً اگر زنان تازه‌مسلمان در اروپا و برخی کشورهای غیرمسلمان از همان آغاز، چادر یا روسری سر کنند، معقول نیست به بهانه جدیدالعهد بودن ایشان به اسلام، آنان را به برداشتن پوشش اسلامی دستور دهیم؛ به استناد اینکه آیات پوشش در حدود هفده سال پس از دعوت اسلامی نازل شده است. حکم ترک شرب خمر نیز همین‌گونه است که اگر افرادی از همان آغاز با درک مفسده خمر از شرب آن اجتناب کنند؛ نباید تصور کرد که چون ابلاغ عمومی حرمت خمر نشده، آنها اجازه ترک شرب خمر را ندارند. بنابراین سیر نزول، به رشد فرهنگ دینی در جامعه مربوط است و به تناسب ظرفیتی که در جامعه دینی ایجاد می‌شود، احکام برای عموم ابلاغ می‌گردد.

۲-۲-۳. سبقت حکم کلی منع از «فحشا» و «اِثم» بر تحریم خمر

از ویژگی‌های قرآن کریم، بیان کلی برخی احکام و تفصیل تدریجی آنهاست. خدای متعال می‌فرماید: «الر کتابُ اُحکَمَتْ آیاتُهُ ثُمَّ فُصِّلَتْ مِنْ لَدُنْ حَکِیمٍ خَبِیرٍ: الف، لام، را [این] کتابی است که آیاتش استواری یافته، سپس از سوی فرزانه‌ای آگاه آشکار شده است» (هود: ۱). درباره تفسیر این آیه بحث‌هایی مطرح است (برای نمونه، ر.ک: طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱۰، ص ۱۳۶ / مراغی، ۱۴۲۱، ج ۱۱، ص ۱۶۸ / مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۹، ص ۹ / مدرسی، ۱۳۷۷، ج ۵، ص ۱۱). بر اساس تحقیقات صورت‌گرفته، یکی از برداشت‌های درست از آیه آن است که این کتاب درباره هر موضوعی که سخن می‌گوید، نخست آن را در آیاتی به اجمال بیان می‌دارد و سپس به تفصیل تشریح می‌کند (ر.ک: بهجت پور، ۱۳۹۲، ص ۷۸-۸۴). حرمت یا تشویق به اجتناب از محرمت، به شکل

عام و به اجمال نخست در سوره‌های مکی وارد شده است و تعیین برخی مصادیق و تفصیل آنها به سوره‌های بعد و از جمله دوره پس از هجرت واگذار شده است. در برخی آیات آغاز نزول، معیارهایی برای اجتناب از معاصی و امور ناشایست گفته شده است که هرچند تصریح به نام برخی معاصی نباشد، ولی مؤمن هوشیار از آنها لزوم اجتناب شخصی از برخی امور منافی با عقل رشید را دریافت می‌کند:

وَ إِذَا فَعَلُوا فَاحِشَةً قَالُوا وَجَدْنَا عَلَيْهَا آبَاءَنَا وَاللَّهُ أَمَرَنَا بِهَا قُلْ إِنَّ اللَّهَ لَا يَأْمُرُ بِالْفَحْشَاءِ أَ تَقُولُونَ عَلَى اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ: و چون کار زشتی کنند، گویند: پدران ما را بر آن یافتیم و خدا ما را بدان فرمان داده است. بگو: خدا به زشت کاری فرمان نمی‌دهد، آیا بر خدا چیزی می‌گویید که نمی‌دانید؟ (اعراف: ۲۸).

هرچند موافق برخی گزارش‌ها، سبب نزول آیه، طواف عریان در خانه خداست (ر.ک: طبری، ۱۴۱۵، ج ۸، ص ۱۱۴ / طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۴، ص ۶۳۳ / فیض کاشانی، ۱۴۱۵، ج ۲، ص ۱۸۷ / مشهدی قمی، ۱۳۶۸، ج ۵، ص ۶۴)، ولی خدای متعال از آن به‌عنوان کلی فاحشه یاد می‌کند و بیان می‌دارد که خداوند به این‌گونه امور امر نمی‌کند؛ اگرچه در زوررقی مقدس مانند طواف پیچیده شده باشد. در ادامه نیز معیاری برای حرام‌ها ارائه می‌دهد تا اهل دقت باتوجه به آن و شناختی که از مفاسد برخی اعمال دارند، از ارتکاب آن بپرهیزند؛ هرچند به آنها تصریح نشده باشد:

قُلْ إِنَّمَا حَرَّمَ رَبِّي الْفَوَاحِشَ مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَمَا بَطَّنَ وَالْأِثْمَ وَالْبَغْيَ بِغَيْرِ الْحَقِّ وَأَنْ تُشْرِكُوا بِاللَّهِ مَا لَمْ يَنْزِلْ بِهِ سُلْطَانًا وَأَنْ تَقُولُوا عَلَى اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ: بگو: پروردگار من تنها [کارهای] زشت را، آنچه آشکار است از آنها و آنچه پنهان و [همچنین] گناه و ستم به‌ناحق را حرام کرده است و [نیز] اینکه چیزی را که [پروردگار] دلیلی بر [حقانیت] آن فرونفرستاده، شریک خدا قرار دهید و اینکه چیزی را که نمی‌دانید، به خدا نسبت دهید (اعراف: ۳۳).

در ادامه با زبان تقنین، از ممنوعیت «اِثْم» سخن گفته است:

وَ ذَرُوا ظَاهِرَ الْاِثْمِ وَ بَاطِنَهُ إِنَّ الَّذِينَ يَكْسِبُونَ الْاِثْمَ سَيَجْزَوْنَ بِمَا كَانُوا يَقْتَرِفُونَ: و گناهان آشکار و پنهان را واگذارید؛ زیرا کسانی که دست به گناه می‌یازند، به‌زودی به سزای آنچه بدان دست می‌یازیدند، کیفر خواهند شد (انعام: ۱۲۰).

همچنین با زبان دستور و گزارش دستور که از انشای آن شدیدتر است، می‌فرماید:
 إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ وَإِيتَاءِ ذِي الْقُرْبَىٰ وَيَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَالْبُغْيِ
 يَعِظُكُمْ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ: همانا خدای به داد و نیکوکاری و دادن [حق] خویشاوند [صله
 رحم و نیکی کردن به خویشان] فرمان می‌دهد و از زشت‌کاری و کار ناپسند و ستم و
 سرکشی بازمی‌دارد شما را پند می‌دهد، شاید که یاد کنید و پند گیرید (نحل: ۹۰).

با این عبارت روشن می‌شود که افراد صاحب فهم و درک حکمت‌ها و شاگردان
 برجسته مکتب اسلام متوجه بوده‌اند که امور پلید و بسیار زشت و گناهانی همچون
 شرب خمر، ذیل عموم «إثم» و «فحشا» در آیات نازل شده در مکه قرار می‌گیرند و
 منتظر صراحت نهی از آن نمی‌مانند. به‌خصوص باید به کلمه «إثم» در آیات سوره
 اعراف توجه کرد. «إثم» در لغت افتاده شدن در تنگی (ر.ک: فراهیدی، العین، ج ۸،
 ص ۲۵۰) و گناه است (ابن منظور، لسان‌العرب، ج ۱۲، ص ۵) و شامل تمامی گناهان
 می‌شود. این لفظ که در اینجا به‌طور عام به کار رفته است، در نخستین آیه مربوط به
 حرمت خمر در مدینه (ر.ک: بقره: ۲۱۹) برای اشاره به حرمت خمر به کار گرفته شده
 است: «قل فیهما إثم کبیر».

علامه طباطبایی از ترکیب آیه سوره اعراف که در مکه نازل شده است، با آیه سوره
 بقره نتیجه می‌گیرد که با وجود این جایی برای انکار صراحت حرام بودن نوشیدن خمر در
 قرآن کریم باقی نمی‌ماند؛ هرچند مصلحت در ابلاغ تدریجی حرمت بوده است
 (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۶، ص ۱۱۷). وی به واقعه‌ای تاریخی در مکه نیز اشاره می‌کند که
 در آن شخصی به نام اُعیسی بنی قیس تصمیم به ایمان می‌گیرد. مشرکان برای بازداشتن
 وی اظهار می‌دارند که محمد (ص) زنا و شراب را حرام کرده است. وی بیان می‌دارد
 که زنا را مرتکب نمی‌شده است و شراب را با وجود علاقه‌ای که به آن دارد، ترک
 می‌کند. همین امر نشانه مشهور بودن حرمت شرب خمر در مکه حتی نزد مشرکان بوده
 است (همان، ص ۱۳۴). براین اساس خدای متعال برخی مؤمنان را که بدون صدور
 هرگونه نهی آشکار الهی، از ارتکاب برخی معاصی دست شسته‌اند، در قرآن کریم مدح
 می‌کند؛ مثلاً در سوره فرقان افرادی را که «عباد الرحمن» می‌نامد، به جهت انجام برخی
 طاعات و ترک برخی محرّمات که در میان آنها مواردی است که در سیر نزول، دستوری

بر انجام یا ترک آنها وارد نشده است، مورد عنایت و تقدیر قرار داده است (ر.ک: فرقان: ۶۳-۷۵).

۳-۲-۳. جایگاه شرب خمر در میان امور فاحش و گناهان

به مطلب پیش گفته از این رو تأکید می‌شود که در منابع روایی از نقش مخرب شرب خمر در پایه شرور بودن آن بسیار سخن به میان آمده است. شرب خمر آسیب‌هایی بر عقل و خرد نوشنده آن دارد. می‌دانیم عقل درحالی‌که پایه رفتار انسانی و عقلایی است، پایه ایمان و باورهای درست می‌باشد؛ به همین دلیل آسیب عقلی، منشأ هر شرّ و امر پلیدی است. بر این اساس کلینی در کتاب *الکافی* به نقل از امام صادق علیه السلام به موضوع این‌گونه اشاره می‌کند که شرارت شرب خمر حتی از ترک نماز بالاتر است؛ زیرا با شرب خمر، انسان درحالتی قرار می‌گیرد که پروردگارش را با آن نمی‌شناسد (کلینی، ۱۳۶۵، ص ۶۹۲، ح ۱) و نیز آورده است که شرب خمر، سرآمد همه گناهان (همان، ح ۲ و ۳) و کلید هر شری می‌باشد. کلید قفل هر معصیتی شراب است (همان، ح ۵ و ۶) و خدای متعال به چیزی شدیدتر از شرب خمر عصیان نشده است (همان، ص ۶۹۴، ح ۷) و شارب خمر، مرتکب ترک نماز و حتی زنا می‌شود (همان، ح ۸)؛ زیرا عقل که مانع ارتکاب این امور است، در مستی از او گرفته می‌شود. در روایتی که کاشف اهمیت عقل و زشتی رفتار مختل‌کننده این قوه می‌باشد، وارد شده است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به حضرت علی علیه السلام فرمود: «کسی که خمر را فقط به جهت مراقبت از خویش - و نه حتی برای رضای خدا - ترک کند، خدا او را از شراب پاکیزه بهشتی سیراب می‌کند» (صدوق، ۱۳۷۸، ج ۴، ص ۳۵۴).

موافق حکمت و فلسفه‌ای که برای شرب خمر گفته شد و نقش و تبعاتی که شرب خمر در کنارزدن عقل، رفتار عاقلانه و به تبع آن ترک ایمان و رفتار مؤمنانه دارد، این عمل از جمله امور پلیدی است که از همان ابتدای ظهور اسلام باید مورد انکار بوده باشد، ولی اُنس شدید مردم و ضرورت آماده‌سازی عموم سبب شده بود حرمت آن به صراحت اعلام نشود. در این باره در روایات صحیحی وارد شده است که حکمت تأخیر در اعلام تحریم، جلوگیری از هلاکت مردم به دلیل عدم تحمل آنها بوده است؛

روایات اسلامی، بینات روشنی در این موضوع دارند (ر.ک: کلینی، ۱۳۶۵، ج ۱۲، ص ۶۹۹-۶۷۰، ح ۴-۱).

۴-۲-۳. ممنوعیت شرب خمر در همه شرائع

احکام الهی تابع مصالح و مفاسد است؛ بر اساس نظر درست، احکام در ذات خود مصالح و مفاسدی دارند که همان‌ها مناط و علل احکام‌اند؛ برخلاف اشاعره که معتقدند حُسن و قبح و مصلحت و مفسده‌ای ورای امر و نهی شارع وجود ندارد و حُسن و قبح از امور اعتباری شارع است (ر.ک: مکارم شیرازی، دائرةالمعارف مقارن، ج ۱، ص ۲۰۵)؛ از این رو اگر مفسده‌ای در ارتکاب عملی باشد که شارع مقدس به ترک آن راضی نباشد، حکم به ممنوعیت آن می‌دهد. این الزام مخصوص اسلام نیست، بلکه به دلیل اینکه مفسده‌ای مرتبط با انسان است، باید در تمامی شرایع مورد توجه بوده باشد. آسیب‌زدن به عقل و به تبع آن فتنه‌ای که بر رفتار عقلانی و رفتار مؤمنانه از آشامیدن خمر متوجه می‌شود، ایجاب می‌کند شرب خمر در تمامی شرایع پیش از اسلام حرام شده باشد و اسلام نقش تصدیق و تأکید بر آن را داشته باشد؛ زیرا این کتاب، مصدق کتب آسمانی پیش از خود می‌باشد (ر.ک: فاطر: ۳۱/ انعام: ۹۲/ احقاف: ۱۲).

استاد معرفت نیز دو روایت را به نقل از الکافی آورده است که در آنها بیان شده، حرمت مشروبات الکلی حکمی مشترک در میان تمامی انبیا بوده است و خدای متعال هیچ پیامبری را تاکنون نفرستاده است، مگر آنکه در علم الهی تکمیل دینش با تحریم خمر بوده، خمر همیشه و پیوسته حرام بوده است (معرفت، ۱۳۸۳، ج ۵، ص ۴۶۵-۴۶۶). با این توضیح روشن می‌شود که دامنه تحریم خمر و شناخته‌بودن خمر به عنوان فاحشه و گناه بزرگ، امری مستمر و مشترک در شرایع الهی بوده است؛ به همین دلیل نمی‌توان پذیرفت صحابه خاص و نزدیک رسول خدا ﷺ - از جمله حضرت علی ﷺ - گرفتار شرب آن و بدمستی و رفتارهای غیرمعارف و ناهنجار عرفی و دینی شده باشند.

۴-۲-۵. علی ﷺ تربیت یافته ویژه نزد رسول الله ﷺ

ابوطالب عموی پیامبر ﷺ دچار فقر شدیدی شد. پیامبر ﷺ و عمویش عباس تصمیم

گرفتند برای تقلیل فشار بر وی، فرزندان را در خانه‌های خود تربیت کنند. جعفر سهم عباس، عقیل نزد ابوطالب و علی^ع تحت تکفل حضرت محمد^ص قرار گرفت (یوسفی غروی، موسوعه التاريخ الاسلامی، ج ۱، ص ۳۲۱-۳۲۴)؛ به همین دلیل علی^ع از همان ابتدای کودکی تحت نظارت و سرپرستی پیامبر^ص بود. حضرت محمد^ص چنان به علی^ع اشتیاق داشت که آب و غذای او را به دهانش می‌گذاشت و وی را در بسترش می‌خواباند و ملازم خود قرار داده بود. حضرت علی^ع شدت ارتباط خود با حضرت محمد^ص و تأثیری را که از حضرت می‌گرفت، با تعبیر بچه‌شتری که پیوسته دنبال مادر بود، تشبیه می‌کرد: «لقد كنت اتبعه اتباع الفصيل أثر أمه، يرفع لي في كل يوم من أخلاقه علماً، و يأمرني بالإقتداء به» (نهج البلاغه، خ ۱۹۲)

گفتنی است حضرت علی^ع تصریح می‌کند که از ابتدای کودکی، پیامبر اکرم^ص در تربیت وی کوشیده و او را به‌طور مستمر بر تخلّق به اخلاق نیکوی خود دستور و هرروز کمالی از کمالات اخلاقی و روحی خود را به وی انتقال داده است (نهج البلاغه، همان).

انتظار نمی‌رود پیامبر اکرم^ص شرب خمیری را که در کنار مهم‌ترین نهی پروردگار یعنی اجتناب از پرستش بت‌ها آمده است، از حضرت علی^ع دریغ کرده باشد. استاد معرفت در این باره می‌نویسد: آیا به‌نظرتان می‌رسد کسی که از چنین جایگاه و تربیتی پیش رسول خدا برخوردار بوده، از روش درستی که خدا برای اولیای برگزیده‌اش ترسیم کرده، تخلف کند؟! وی سپس با جمله معنادار «نعم قاتل الله الضعائن و احقاد بدر و حنین: خدای متعال بگشدد دشمنی‌ها و کینه‌های برخاسته از جنگ‌های بدر و حنین را»، مطلب را پایان می‌دهد (ر.ک: معرفت، ۱۳۸۳، ج ۵، ص ۴۵۴).

۶-۲-۳. آلوده نبودن اهل بیت^ع به هیچ یک از انواع پلیدی

طبق آیه تطهیر «إِنَّمَا يَرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً» (احزاب: ۳۳)، اهل بیت پیامبر^ص از ارتکاب امور پلید دورند. صرف نظر از اینکه آیه تطهیر چگونه در سیاق فعلی معنا می‌شود، شکی نیست افزون بر منابع شیعی، در منابع اهل سنت به‌نقل از بزرگان صحابه و نیز ائمه، عایشه و زینب همسران پیامبر^ص وارد

شده که آیه در شأن خمسه طيبه ﷺ نازل شده است (طبری، تفسیر جامع البیان، ج ۱۲، ص ۹-۱۲)؛ از این رو استاد معرفت شأن نزول آیه درباره خمسه طيبه را اجماعی دانسته است (ر.ک: معرفت، ۱۳۸۳، ج ۵، ص ۴۵۲).

همچنین کلمه «إنما» از جمله ادات حصر می باشد. این کلمه همراه با مصادیقی که بر آنها وارد می شود، بیان می کند که حکم مذکور مخصوص افرادی است که از آنها یاد شده است و از دیگران سلب می شود. با توجه به اینکه اراده تشریحی خدای متعال به تطهیر عموم مردم از پلیدی است، انحصار در تطهیر اهل بیت ﷺ نباید به معنای اراده تشریحی باشد، بلکه مقصود اراده تطهیر تکوینی یا همان تسدید و عصمت است (ر.ک: طیب، ۱۳۷۸، ج ۱۰، ص ۵۰۱ / طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱۶، ص ۳۱۰ / مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۷، ص ۲۹۲).

از سوی دیگر شرب خمر بی شک از امور پلید می باشد که قرآن کریم نیز بر این امر تصریح کرده است:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّمَا الْخَمْرُ وَالْمَيْسِرُ وَالْأَنْصَابُ وَالْأَزْلَامُ رِجْسٌ مِّنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ فَاجْتَنِبُوهُ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ: ای کسانی که ایمان آورده اید! همانا می و قمار و بتها [یا سنگ‌هایی که مقدس می شمردند و بر آن قربانی می کردند] و تیرهای قرعه پلید و از کار شیطان است؛ پس، از آن پرهیزید، باشد که رستگار شوید (مائده: ۹۰).

بر اساس این دو مطلب، حضرت علی ﷺ که به اجماع شیعه و سنی در زمره اهل بیت ﷺ است، نباید به پلیدی شرب خمر آلوده شده باشد.

این شاهد که در بیانات استاد معرفت استفاده شده است، با چالشی روبه‌رو می باشد. سوره مائده که پلید بودن شرب خمر را بیان می کند، یکصد و سیزدهمین سوره نازل شده است، در حالی که سوره احزاب که به تطهیر اهل بیت ﷺ توجه می دهد، نودمین سوره نازل شده می باشد؛ از این رو پلیدی شرب خمر بعدها ابلاغ شده است و تا پلیدی مشروب بیان نشده باشد، حرمتی وجود ندارد و معصوم پس از ابلاغ پلیدی از آن اجتناب می کند، نه پیش از آن!

در پاسخ باید گفت پلیدی دائرمدار بیان حرمت نیست، بلکه حرمت دائرمدار پلیدی است. تعبیر آیه درباره اثم بودن خمر و رجس بودن آن، نشان از پلیدی موجود در ذات

این پدیده‌ها دارد و حتی اگر اجتناب از امر پلید وارد نشده باشد، معصومان موافق آیه تطهیر از امور پلید چون پرستش بت، شرب خمر و انواع آلودگی‌های جنسی و مانند آن دوری خواهند کرد.

افزون بر این بیان شد که شرب خمر در ادیان گذشته و نزد رسول خدا ﷺ و در مفاد عموم آیات نازل شده در دوره مکه حرام بوده است و نیاز به تصریح ممنوعیت شرب خمر درباره کسانی لازم است که جز با تصریح به تحریم، از شرب آن دست نمی‌کشیدند؛ کسانی که جز با نزول تدریجی آیات ممنوعیت، تحمل امثال این حکم را نداشته‌اند.

بی‌شک مولای متقیان در زمره اوصیای پرهیزکار از پلیدی می‌باشد. از حضرت علیؓ روایت شده است:

لو وقعت قطرة فی بئر فبنیت مکانها منارة لم اوذن علیها، و لو وقعت فی بحر ثم جفّ و نبت فیه الکلاء لم ارعه: اگر قطره‌ای از خمر در چاهی بیفتد و به جای آن مناره‌ای ایجاد کنند، بر آن اذان نخواهم گفت و اگر در دریایی قطره‌ای بیفتد و سپس خشک شده و به جای آن علف سبز شود، گوسفندانم را در آن چرا نخواهم برد! (زمخسری، ۱۴۱۴، ج ۱، ص ۲۶۰-۲۶۱).

این روایت کاشف از شدت اجتناب مولای متقیان از خمر است. شدت اجتناب اهل بیتؓ از شرب خمر به گونه‌ای است که در بخشی از نامه امام رضاؓ به مأمون - که شامل مطالب فراوانی در معرفی دین اهل بیتؓ می‌باشد - آمده است:

من دین اهل‌البیت، تحریم الخمر قلیلها و کثیرها ... حرام شمردن کم و زیاد خمر از جمله دین و آیین اهل بیتؓ است (صدوق، ۱۳۷۸، ج ۲، ص ۱۲۱-۱۲۶ / مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۶۳، ص ۴۸۴، ح ۴ و ج ۷۶، ص ۱۶۹).

ابن‌شهر آشوب با استشهاد به آیاتی از قرآن کریم تصریح می‌کند که علیؓ نه بت پرستید، نه شرب خمر کرد و نه هیچ‌یک از انواع فسق را مرتکب شد. به نظر وی دعای ابراهیمؑ درباره اجتناب‌دادن خداوند به وی و فرزندانش از بت پرستی: «وَاجْتَنِبِ وَبَنِيَّ أَنْ نَعْبُدَ الْأَصْنَامَ» (ابراهیم: ۳۵) و نیز وجود گروهی مسلمان در ذریه و نسل آن حضرت: «وَمِنْ ذُرِّيَّتِنَا أُمَّةٌ مُسْلِمَةٌ لَكَ» (بقره: ۱۲۸) شاهد بر این مدعاست که علیؓ که از ذریه

ابراهیم رضی الله عنه و مشمول دعای آن حضرت می باشد، از ارتکاب چنین معاصی اجتناب کرده است (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹، ج ۲، ص ۲۶).

۷-۲-۳. بررسی سندی سبب نزول مدعیان ارتکاب شرب خمر از سوی علی رضی الله عنه

روایات سبب نزول، دچار مشکلات اساسی در ناحیه جعل و بیان مطالب بی ریشه می باشد که در جای خود بیان شده است. روایت سبب نزول به دلیل پیوندی که با اختلافات پس از دوره پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله یافت و جریان جعل احادیثی که از سوی افراد به منظور بالا بردن نقش خود و گروه و افراد در گسترش اسلام یا تضعیف و توهین رقبا صورت می گرفت، مورد انکار شدید برخی از حدیث شناسان و مفسران بوده است؛ تا آنجا که احمد حنبل - امام، حدیث شناس و فقیه اهل سنت - اعلام کرد:

ثلاثة لا أصل لها: المغازی والملاحم و التفسیر: سه گونه روایت بی ریشه وجود دارد: روایات مربوط به جنگها، روایات مربوط به فتنهها و روایات تفسیر (سیوطی، ۱۴۰۴، ج ۱، ص ۴۴۱).

این مطلب ایجاب می کند تا دانشمندان تفسیر با احتیاط از این منبع برای فهم مصادیق آیات استفاده کنند و از تسامح و سهل انگاری در کاربرد این روایات در فهم آیات بپرهیزند. در این گونه موارد باید دید چنین روایاتی با روایات معارض آن و نیز با اصول مسلم عقل رشید، قرآن کریم و سنت قویم و ریشه دار معارضه نداشته باشند.

بررسی های به عمل آمده در بندهای پیشین روشن کرد که ادعای شرب خمر به وسیله امیر مؤمنان رضی الله عنه در هیچ زمانی از عمر مبارکشان صحت ندارد، ولی در تکمیل مطالب پیش گفته به بررسی دلالت روایات اسباب نزول آیه ۲۱۹ سوره بقره و ۴۳ سوره نساء توجه می دهیم؛ البته در این باره بر پژوهش های استاد معرفت تکیه می شود.

استاد معرفت ادعای جمله نامعلوم «فقرأ» را به امام علی رضی الله عنه نادرست خوانده است و به گفته حاکم نیشابوری، این ادعا را ناشی از کینه ورزی خوارج می شمرد. با نقل روایتی از ابی عبدالرحمن سلمی از مولای متقیان رضی الله عنه که در آن امام جماعت این حادثه را فرد نامعلومی - غیر از خود - نسبت داده است، ابهام روایت نخست را که زمینه انتساب امامت به حضرت علی رضی الله عنه بوده، مردود دانسته، از حاکم نیشابوری و شمس الدین ذهبی،

درستی و صحت روایت دوم را تأکید می‌کند.

توضیح آنکه ابن جریر طبری از علمای قرن چهارم، در ذیل آیه ۲۱۹ سوره بقره که به سبب نزول آیه ۴۳ سوره نساء نیز پرداخته، آورده است:

السدى، قال: نزلت هذه الآية: يَسْتَأْذِنُكَ عَنِ الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ الْآيَةَ، فلم يزالوا بذلك يشربونها، حتى صنع عبدالرحمن بن عوف طعاماً، فدعا ناساً من أصحاب النبي ﷺ فيهم علي بن أبي طالب، فقرأ: قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ وَ لَمْ يَفْهَمَهَا، فَأَنْزَلَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ يَشْدُدُ فِي الْخَمْرِ: يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَقْرَبُوا الصَّلَاةَ وَأَنْتُمْ سُكَارَى حَتَّى تَعْلَمُوا مَا تَقُولُونَ: ... عبدالرحمن بن عوف غذایی را آماده کرد و گروهی از اصحاب پیامبر ﷺ را که در میان آنها علی ﷺ بود، دعوت کرد. آنها پس از صرف غذا و شرب خمر، به نماز ایستادند. پس خواند: «قل يا أيها الكافرون» و متوجه نبود که در نماز چه می‌گوید؛ از این رو آیه نازل شد که مؤمنان هنگام مستی نماز نخوانید تا بدانید چه می‌گویید (طبری، جامع البیان، ۲/ ۲۰۸).

این روایت را بغوی از مفسران قرن ششم در سبب نزول آیه ۴۳ سوره نساء بدون ذکر نام علی ﷺ آورده است (بغوی، ۱۴۱۷، ج ۱، ص ۶۲۱).

استاد معرفت در پانویس بیان می‌دارد: «مرجع ضمیر چنان‌که از طبری در — جلد ۵، ص ۶۱— آمده، خود عبدالرحمن بن عوف است» (معرفت، ۱۳۸۳، ج ۵، ص ۴۵۲). سپس در ادامه روایت می‌نویسد: «بعضی از پیروان کینه‌ورزی گمان کرده‌اند کسی که نماز را خوانده و در نماز سوره کافرون را به اشتباه با کلمات کفرآمیز خواند، علی ﷺ بوده است» (معرفت، همان).

حاکم نیشابوری صاحب کتاب **المستدرک علی الصحیحین**، این گمانه کینه‌ورزانه را به خوارج کینه‌ورز با امام علی ﷺ نسبت داده است (ر.ک: حاکم نیشابوری، ۱۹۷۸، ج ۲، ص ۳۰۷). سپس سبب نزولی را که با معیارهای حدیثی صحیح می‌شمرد، نقل می‌کند که در آن به نقل از ابی عبدالرحمان سلمی از علی ﷺ شرح ماجرا را می‌آورد که در آن حضرت علی ﷺ کسی را که امام جماعت نماز شده، کسی دیگر غیر از خود دانسته است:

دعانا رجل من الأنصار قبل تحريم الخمر، فحضرت صلاة المغرب، فقدم رجل فقراً: «قل يا أيها الكافرون» فالتبس عليه، فنزلت «لا تقربوا الصلوة و أنتم سكارى حتى تعلموا

ما تقولون» (حاکم نیشابوری، همان).

وی در ادامه روایت می‌نویسد:

این حدیث دارای سند درستی است و در آن فایده زیادی است و آن اینکه خوارج مستی و این قرائت را تنها به امیر مؤمنان^ع نسبت می‌دهند، در صورتی که خدا او را مبرای از این نسبت کرده است؛ چنان‌که علی^ع خود راوی این حدیث است (حاکم نیشابوری، همان).

طبری این مطلب را در روایت‌های سبب نزول ذیل آیه ۲۱۹ سوره بقره گرد آورده است (ر.ک: طبری، ۱۴۱۲، ج ۲، ص ۲۰۸). در این روایات، سبب نزولی که ظهور و اشاره‌ای به علی^ع و امام جماعت شدن وی در این ماجرا باشد، وجود ندارد. البته او در بیان سبب نزول آیه در ذیل آیه ۴۳ سوره نساء، دو روایت نقل کرده است: روایت نخست، به نقل از ابی‌عبدالرحمن سلمی به نقل از امام علی^ع است که در آن امام جماعت را ابی‌عبدالرحمن بن عوف دانسته است؛ روایت دوم، روایتی از عبدالله بن حبیب می‌باشد که در آن امام جماعت را علی^ع شمرده است.

استاد معرفت با بیان این مطلب که روایات در باب سبب نزول، معارض یکدیگرند، نتیجه می‌گیرد که نمی‌توان از راه روایات اسباب نزول مسئله را حل کرد و برای حل مسئله، به مباحث کلامی و منابع دیگر مراجعه می‌کند؛ منابعی که کاشف از نادرستی روایت عبدالله بن حبیب باشد. وی پس از بیان مطالب مذکور نتیجه می‌گیرد که این شواهد کاشف از دخالت دست دروغ‌پردازی و ساختگی بودن روایت است و در نهایت سبب نزول معارض را ناشی از کینه و حقد‌های بدر و حنین می‌شمرد (همان، ج ۵، ص ۴۵۳).

نتیجه

پیروان مکتب اهل بیت^ع به تبع امامان خود، شرب خمر را به دلیل مفاسد و پلیدی ذاتی در آن، پدیده‌ای در ذیل تحریم عموم «فحشا» و «إثم» می‌شمرند و براین باورند که به همین دلیل حرمت آن در تمامی شرایع و بر همه انبیا و اوصیا اعلام شده است. آنها معتقدند اگر در ابلاغ تحریم صریح شرب خمر تأخیری صورت گرفته، به تحمل و آماده‌شدن جامعه مربوط است؛ از این رو اوصیا، بزرگان و پرهیزکاران از همان ابتدای



پذیرش اسلام و در کنار ترک گناهانی چون بت پرستی، از این گناه نیز اجتناب کرده اند. آنها بر این باورند روایاتی که از ارتکاب شرب خمر شخصیت های وارسته ای چون امیر مؤمنان علیه السلام حکایت دارد، روایاتی جعلی و ناشی از کینه ورزی و حقدهایی است که دشمنان جهان اسلام پدید آورده اند. این روایات به دلیل معارضه با روایاتی که در آنها فرد مستی را که امام جماعت دیگران شده، کسی غیر از حضرت علی علیه السلام معرفی کرده است، از درجه اعتبار ساقط و غیرقابل اعتنا می باشد؛ از این رو جای تعجب بر غالب مفسران اهل سنت است که به رغم وظیفه ذاتی مفسر مبنی بر گره گشایی از ابهامات تفسیری، همگی - مگر گروه اندکی - از کنار روایات سبب نزول آیات ۲۱۹ سوره بقره و ۴۳ سوره نساء به سادگی گذشته اند و با نقل آنها در منابع خود، تعارض اخبار سبب نزول را مرتفع نکرده، خواننده را در میان روایات متعارض سرگردان گذاشته اند.

استاد معرفت در تفسیری جامع و درذیل آیه ۲۱۹ سوره بقره، به منظور دفاع از کرامت مولای متقیان علی علیه السلام تلاش محققانه ای به عمل آورده، ضمن بیان دیدگاه های کلامی حاکم بر روایات سبب نزول، از نظر متنی و دلالتی به نقد سبب نزول مذکور پرداخته است.

منابع

- * قرآن كريم.
- ** نهج البلاغه.
١. آلوسى، سيد محمود؛ روح المعانى فى تفسير القرآن العظيم؛ تحقيق على عبدالبارى عطيه؛ ج ١، بيروت: دارالكتب العلميه، ١٤١٥ق.
 ٢. ابراهيم حسين شاذلى، سيد قطب؛ فى ظلال القرآن؛ بيروت: دارالشروق، ١٤٠٨ق.
 ٣. ابن ابى حاتم، عبدالرحمن بن محمد؛ تفسير القرآن العظيم؛ تحقيق اسعد محمد الطيب؛ ج ٣، عربستان سعودى: مكتبة نزار مصطفى الباز، ١٤١٩ق.
 ٤. ابن شهر آشوب، محمد بن على؛ مناقب آل ابى طالب؛ قم: علامه، ١٣٧٩ق.
 ٥. ابن عاشور، محمد طاهر؛ التحرير والتنوير؛ ج ١، بيروت: مؤسسة التاريخ العربى، ١٤٢٠ق.
 ٦. ابن كثير دمشقى (ابن كثير)، اسماعيل بن عمرو؛ تفسير القرآن العظيم؛ ج ١، بيروت: دارالكتب العلميه، ١٤١٩ق.
 ٧. ابن منظور، محمد بن مكرم؛ لسان العرب؛ بيروت: دارالفكر، ١٤٠٧ق.
 ٨. الأزدى البلخى، مقاتل بن سليمان بن بشير؛ تفسير مقاتل بن سليمان؛ تحقيق احمد فريد؛ بيروت: دارالكتب العلميه، ١٤٢٤ق.
 ٩. بحراني، هاشم بن سليمان؛ البرهان فى تفسير القرآن؛ تحقيق قسم الدراسات الإسلامية مؤسسة البعثة؛ ج ١، تهران: بنياد بعثت، ١٤١٦ق.
 ١٠. بغدادى، علاء الدين على بن محمد؛ لباب التأويل فى معانى التنزيل؛ تصحيح محمد على شاهين؛ ج ١، بيروت: دارالكتب العلميه، ١٤١٥ق.

۱۱. بغوی، حسین بن مسعود؛ معالم التنزیل؛ بیروت: دار إحياء التراث العربی، ۱۴۱۷ق.
۱۲. بهجت پور، عبدالکریم؛ «سیری در زندگی علمی آیت الله معرفت»، فصلنامه بینات؛ ش ۴، زمستان ۱۳۸۳.
۱۳. —؛ تفسیر تنزیلی؛ تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۹۲.
۱۴. ثعلبی نیشابوری، ابواسحاق احمد بن محمد بن محمد بن ابراهیم؛ الكشف والبيان (تفسیر الثعلبی)؛ تحقیق ابی محمد بن عاشور، مراجعة و تدقیق الأستاذ نظیر الساعدی؛ دار إحياء التراث العربی، ۱۴۲۲ق.
۱۵. حاکم نیشابوری، محمد بن عبدالله؛ المستدرک؛ بیروت: دارالفکر، ۱۹۷۸م.
۱۶. ذهبی، محمد حسین؛ التفسیر والمفسرون؛ قاهره: دارالکتب الحدیثه، ۱۹۶۱م.
۱۷. زمخشری، جارالله محمود بن عمر؛ الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل و عیون الأفاویل فی وجوه التأویل؛ مکتبه الاعلام الإسلامی، ۱۴۱۴ق.
۱۸. سیوطی، جلال الدین؛ الدر المنثور فی تفسیر المأثور؛ قم: کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، ۱۴۰۴ق.
۱۹. صدوق، محمد بن علی بن بابویه؛ عیون أخبار الرضا؛ تهران: نشر جهان، ۱۳۷۸ق.
۲۰. طباطبایی، سید محمد حسین؛ المیزان فی تفسیر القرآن؛ ج ۵، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۷ق.
۲۱. طبرسی، فضل بن حسن؛ مجمع البیان فی تفسیر القرآن؛ ج ۳، تهران: انتشارات ناصر خسرو، ۱۳۷۲.
۲۲. طبری، محمد بن جریر؛ جامع البیان عن تأویل آی القرآن؛ بیروت: دارالفکر، ۱۴۱۵ق.
۲۳. طوسی، ابوجعفر محمد؛ التبیان فی تفسیر القرآن؛ مقدمه شیخ آقابزرگ تهرانی، تحقیق احمد قصیر عاملی؛ بیروت: دار إحياء التراث العربی، [بی تا].
۲۴. طبیب، سید عبدالحسین؛ أطیب البیان فی تفسیر القرآن؛ ج ۲، تهران: انتشارات اسلام، ۱۳۷۸.

۲۵. عروسی حویزی، عبدعلی بن جمعه؛ تفسیر نورالثقلین؛ سیدهاشم رسولی محلاتی؛ قم: انتشارات اسماعیلیان، ۱۴۱۵ق.
۲۶. عیاشی سمرقندی، محمدبن مسعود؛ تفسیر عیاشی؛ تصحیح رسولی محلاتی؛ تهران: المكتبة العلمية الإسلامية، ۱۳۸۰ق.
۲۷. فراهیدی، خلیل بن احمد؛ العین؛ قم: دارالهجره، ۱۴۰۹ق.
۲۸. فیض کاشانی، محسن؛ تفسیر الصافی؛ تهران: مكتبة الصدر، ۱۴۱۵ق.
۲۹. قرطبی، ابو عبدالله محمدبن احمد؛ الجامع لأحكام القرآن؛ تهران: ناصر خسرو، ۱۳۶۴.
۳۰. قمی، علی بن ابراهیم؛ تفسیر قمی؛ تحقیق سیدطیب موسوی جزایری؛ ج ۴، قم: دارالکتاب، ۱۳۶۷.
۳۱. قمی مشهدی، محمدبن محمدرضا؛ تفسیر کنزالدقائق و بحر الغرائب؛ تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۶۸.
۳۲. کلینی، محمدبن یعقوب؛ الکافی؛ تهران: دارالکتب الإسلامیه، ۱۳۶۵.
۳۳. مجلسی، محمدباقر؛ بحار الأنوار؛ تهران: مكتبة الإسلامية، ۱۴۰۳ق.
۳۴. مدرسی، سید محمد تقی؛ تفسیر هدایت؛ مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی، ۱۳۷۷.
۳۵. مراغی، احمد مصطفی؛ تفسیر المراغی؛ بیروت: دارالفکر، ۱۴۲۱ق.
۳۶. معرفت، محمد هادی؛ التفسیر الأثری الجامع؛ قم: مؤسسه فرهنگی التمهید، ۱۳۸۳.
۳۷. —؛ التفسیر والمفسرون؛ مشهد: الجامعة الرضیة للعلوم الإسلامیه، ۱۳۸۳.
۳۸. —؛ شبهات و ردود حول القرآن الکریم؛ قم: مؤسسه فرهنگی التمهید، ۱۳۸۱.
۳۹. مکارم شیرازی، ناصر؛ تفسیر نمونه؛ تهران: دارالکتب الإسلامیه، ۱۳۷۴.
۴۰. —؛ دائرة المعارف فقه مقارن؛ قم: نشر مدرسة الإمام علی بن ابیطالب، ۱۳۸۵.
۴۱. یوسفی غروی، محمد هادی؛ موسوعة التاريخ الإسلامی؛ ج ۳، قم: شریعت، ۱۴۳۲ق.